



نسبت متقابلی بین حماسه سیاسی و اخلاق وجود دارد/ اخلاق انتخاباتی فقط برای نامزدها نیست

یک عضو هیئت علمی جامعة المصطفی(ص) العالمية با بیان اینکه نسبت متقابلی، متعامل، تکاملی و تعاملی بین اخلاق انتخاباتی و حماسه سیاسی وجود دارد...

یک عضو هیئت علمی جامعة المصطفی(ص) العالمية با بیان اینکه نسبت متقابلی، متعامل، تکاملی و تعاملی بین اخلاق انتخاباتی و حماسه سیاسی وجود دارد، گفت: حماسه سیاسی به معنای درون دینی اتفاق نمی افتد، مگر با رعایت اخلاق. مقام معظم رهبری، سال جاری را سال حماسه سیاسی و حماسه اقتصادی نامیدند. کمتر ازدو دیگر هم انتخابات ریاست جمهوری برگزار می شود، یکی از مهمترین نکته های در مورد انتخابات، رعایت اخلاق انتخاباتی از سوی کاندیداها و طرفداران آنهاست. اینکه چه نسبتی میان اخلاق انتخاباتی و حماسه سیاسی وجود دارد، موضوعی است که در گفتگو با حجت الاسلام والمسلمین دکتر مهدی رستم نژاد، عضو هیئت علمی جامعة المصطفی(ص) العالمية بررسی شد که اکنون از نظر شما می گذرد.

*آیا می توان اخلاق انتخاباتی را از اجزای سازنده حماسه سیاسی به شمار آورد؟

برای پاسخ به این سؤال لازم است که مفهوم شناسی مختصری از دو واژه ترکیبی اخلاق انتخاباتی و حماسه سیاسی داشته باشیم.

وقتی که به واژه های ترکیبی برخورد می کنیم عموماً این گونه است که نگاه تبارشناسی در مقیاس کوچکتر مراد است، یعنی وقتی می گوئیم اخلاق انتخاباتی معلوم است که اخلاق دارای اضلاع گوناگون و چند تباری است و مثلاً تبار انتخاباتی آن مد نظر ماست، یعنی در مقیاس خاص انتخابات و همین طور در حماسه سیاسی می خواهیم آنرا مورد ملاحظه قرار دهیم به این معنا که حماسه برای خودش ابعادی دارد و ما می خواهیم بعد سیاسی را با این مقیاس اندازه بگیریم و بر روی آن بحث و مطالعه کنیم.

حال وقتی می گوئیم اخلاق انتخاباتی باید به اخلاق برگردیم، در واقع معنای اخلاق همان خلق و خو است و معنای دیگر به دانش آن اشاره دارد. در واقع اخلاق الگوی رفتاری ما در مقابل و برای رعایت حقوق طرف ارتباط است، یعنی وظایف ما در قبال حقوق کسی که رفتار ارتباطی با او برقرار می کند که در این حوزه انتخابات مراد است.

نکته دومی که قابل بحث است، این است که نمی توان اخلاق را تاکتیک زندگی و در نتیجه تابع متغیرات محیطی و زمانی پنداشت، بلکه اخلاق امر ثابت و استراتژیک و راهبردی است، برای اینکه ریشه در فطرت و فطریات انسان دارد و لذا تابع متغیرات دین است.

معمولاً مقوله ای بنام انتخابات از قبیله متغیرات است یعنی امر با ثباتی نیست، وقتی اخلاق در کنار این قرار بگیرد باید توجه داشته باشیم اخلاق به فضائل اخلاقی گفته می شود که پیامبر اسلام(ص) بعثت رسالت خودش را برای آن می داند. «انی بعثت لاتمم مکارم الاخلاق؛ یعنی مکارم اخلاق نمی تواند تابع احساسات، هیجانات و فشار افکار قرار گیرد و لذا اصل در اینجا اخلاق است.

در بحث سیاسی هم می توان گفت: سیاست ما عین دیانت ماست. دو مسأله اساسی در اینجا داریم، اخلاق که ریشه در فطریات ما از نگاه دین دارد و سیاست که برخاسته از دین است، برای اینکه سیاست یعنی تدبیر جامعه براساس دین و نسخه دینی.

مراد ما از سیاست و حماسه سیاسی در این مقوله است، یعنی ما نگاه درون دینی به این قضیه داریم، نه نگاه برون دینی که دیگران دارند و معنای دیگری از سیاست ارائه می دهند. با این حساب اخلاق نه تنها از اجزای تشکیل دهنده و سازنده حماسه سیاسی است، بلکه اصولاً حماسه سیاسی به معنای درون دینی اتفاق نمی افتد مگر با رعایت موازین اخلاقی انتخاباتی.

*چه نسبتی میان اخلاق انتخاباتی با حماسه سیاسی می توان متصور شد؟

تصویری که می توان از دین ارائه داد، در نسبت این است که در نگاه ما به اخلاق هم نگاه روشی است یعنی کاربردی است، چون اخلاق عملی هم داریم؛ یعنی هم نگاه هدفی و مقصد است، چون چنین است.

در واقع دو گونه ملاحظه نسبت می توان اینجا تعریف کرد؛ یک اینکه اخلاق انتخاباتی را که در مقیاس انتخابات امروزه مورد نظر ماست وسیله قرار دهیم، یعنی در عمل و رفتار، فضائل اخلاقی را چنان در وجود خودمان تحقق دهیم و به دیگران بنمایانیم که به حماسه سیاسی منجر شود، یعنی در اینجا نسبت اخلاق با حماسه سیاسی را نسبت ابزار برای رسیدن به غایت می دانیم که حماسه سیاسی باشد.

نگاه دیگر این است که چون اخلاق ریشه در فطرت و فطریات دارد، هدف است، گویا اخلاق مقصد است. در اوج جنگ، شخصی از امام علی(ع) سؤال می کند امام می توانست جواب ندهد و اتفاقا دیگران همین را انتظار داشتند، لذا وقتی که امام جواب این شخص را داد، اطرافیان به این شخص اعتراض کردند که آیا الان وقت سؤال است. امام عبارتی را به کار می برد، که بسیار مهم است و می فرماید: ما اصلا برای همین سؤالات می جنگیم.

ما حماسه سیاسی را برای فضائل اخلاقی می خواهیم. پس بنابراین نسبت متقابل، متعامل، تکاملی و تعاملی بین اخلاق انتخاباتی و حماسه سیاسی وجود دارد، یعنی هم دو طرف همپوشانی دارند و هم از نگاهی اخلاق را ابزار برای رسیدن به حماسه می دانیم که اخلاق عملی است و دیگر اینکه حماسه سیاسی را هم که لازم داریم برای اتمام و تکمیل فضائل اخلاق است.

در اینجا نگاه ما به اخلاق متعالی است، برای اینکه رتبته اخلاق از همه اینها بالاتر است یعنی نظام و سیاست برای اخلاق است. وقتی رسالت پیامبر(ص) ما برای مکارم اخلاق است پس بقیه چیزها برای اخلاق است، یعنی اخلاق به این میزان اصل است، پس هم می توان نگاه ابزاری به اخلاق داشت که در نگاه ابزاری، اخلاق ابزار است و رسیدن به حماسه سیاسی هدف است، اما نگاه جایگاهی می توان به اخلاق داشت که در این نگاه اخلاق، برتر است پس در یک نگاه، نسبت به میان آنها تقابلی و تعاملی است.

***اخلاق انتخاباتی حاکم بر فضای سیاسی کشور ما چقدر با حماسه آفرینی فاصله دارد؟**

حماسه مفهوم فزاینده‌ای به همراه جبران عقب ماندگی یا عقب راندن موانع دارد. به هر چیزی عنوان حماسه داده نمی شود، حماسه در جایی گفته می شود که جهشی در آن اتفاق بیفتد، مثل اینکه اگر گفتیم حماسه تاریخی، یعنی برگی متفاوت، پیش برنده و بالنده نسبت به سابق.

حماسه استدرایی نسبت به قبل و حالت جاری و ساری و عادی است، اگر حرکت فعال و تضاعفی و تزایدی نسبت به قبل و حالت جاری و ساری و عادی اتفاق بیفتد حماسه اتفاق افتاده است. اگر واقعا بخواهیم به حماسه سیاسی به معنای درون دینی برسیم، راهی جز اخلاق انتخاباتی نداریم، یعنی اخلاق در مقیاس انتخابات راهی جز این ندارد و الا ممکن است به حسب ظاهر به نظر حماسه سیاسی باشد اما معلوم نیست حماسه سیاسی به معنای دینی اتفاق افتاده باشد.

برای تحقق حماسه سیاسی دینی باید از ابزار مقدس و دینی استفاده کرد، برای رسیدن به امر مقدس نمی توان از ابزار نامقدس استفاده کرد، اگر این را استفاده کردیم نام این غیر مقدس می شود. یعنی مثلا با پول حرام نمی توان حج رفت.

پس حماسه سیاسی به معنای درون دینی اتفاق نمی افتد، مگر عبور از طرف ابزار مقدس باشد، ابزار مقدس یعنی اخلاق. اخلاق انتخاباتی فقط برای نامزدها نیست و عموم مردم مکلف به این امر هستند چون به نوعی در این حوزه وارد می شوند و وارد بحث با دیگران می شود. در کل ما با وضعیت مطلوب فاصله داریم و باید میزان فاصله را کم کنیم. هر چه که می گذرد تجربه جامعه دینی ما هم بیشتر می شود و نباید در متغیرات زمانی و اوج هیجانات فضائل اصیل اخلاقی را زیر پا بگذاریم.

***به نظر شما وظایف اخلاقی سیاستمداران و فعالان سیاسی در راستای خلق حماسه چیست؟**

مهمترین این وظایف، دادن بینش است، در واقع این امر در گفته ها، تحلیلها و عملکردها ممکن است تجلی پیدا کند. آنچه که ما نام آنرا تبلیغات می گذاریم مسأله ای چند وجهی است: اولاً اینها باید راسخ باشد. ثانیاً اینکه باید درست باشد. مطلبی که گفته می شود باید صحیح و درست و منطبق با واقع باشد و دیگر اینکه باید فراگیر و گسترده باشد و افراد زیادی را در بر بگیرد.

همچنین باید استمرار داشته باشد اگر چیز ناپایداری را دنبال کنیم طبیعی است که به جایی نخواهیم رسید. باید حوصله و پایداری و استمرار کرد که مسأله خیلی مهمی است. مسأله دیگر این است که اعتمادآفرین باشد. نقدها باید از نقد شخص و شخصیت به نقد برنامه ها و عملکردها برگردانده شود. این نکته بسیار مهمی است و باید از بسیاری از ادبیات ادبیات تنش زا و تهدیدآمیز پرهیز شود. آنچه که باعث ایجاد انرژیهای منفی و شایعات می شود باید پرهیز کرد. از ایجاد ناامنیهای روانی برای جامعه باید پرهیز شود.

مسأله دیگر این است که سیاسیون باید خودانتقادی داشته باشند، غالبا گرفتار دیگر انتقادی هستیم و خودانتقادی را فراموش کردیم، در حالی که در حوزه اخلاق واژه های مستقیم دینی داریم که می گوید اینقدر به خودت نپرداز، نسبت به خودت نسبت به شریک، رفیق و رقیب بدگمان باش.

باید قدری دیگر نگاه و بینش خود را توسعه دهیم و از خودیت خودمان خارج شویم. نقد دیگران هدیه ای برای ماست. انسانهای برجسته و برگزیده خدا از جو نمی ترسند و گرفتار بداخلاقی نمی شوند. اخلاق انتخاباتی، حقیقتی است، وقتی می بینیم که قرآن برای دشمنی هم اخلاق توصیه می کند باید به اهمیت این مسأله واقف باشیم.

حتی حقوق دشمن را هم باید رعایت کنیم، حق نداریم حقوق او را پایمال کنیم. این گونه نیست که چون شخصی دشمن ماست، ما هر چه که می توانیم در قبال او انجام دهیم. دشمنی هم نظام اخلاقی دارد، کسی که رقیب ما در انتخابات است و یا ما نمی خواهیم به او رأی دهیم که دشمن ما نیست؛ بنابراین حقوق او بالاتر است. در روایتها آمده است که اگر کسی در موقعیتی قرار گرفته که بداند که دیگری از او برتر است و اگر کنار نرود خیانت کرده است. ما این گونه سفارشات دینی داریم. این یک پیام مهم اخلاقی است که باید در انتخابات رعایت شود.